

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره  
 تاریخ: ۵ بهمن ۱۴۰۰  
 موضوع جزئی: آیه ۴۵ \_ بخش اول: «استعینوا بالصبر و الصلاة» \_  
 مصادف با: ۲۲ جمادی الثانی ۱۴۴۳  
 مطلب ششم \_ مقصود از صبر \_ مطلب هفتم: وجه ذکر صبر از میان  
 جلسه: ۴۰  
 فضایل اخلاقی \_ مطلب هشتم: وجه تقدم صبر بر نماز

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

ادامه مطلب ششم

در بخش اول آیه ۴۵ شش مطلب را بیان کردیم. در مطلب ششم بحث در این بود که معنای صبر چیست. در این رابطه شش وجه و احتمال ذکر شد. اگر بخواهیم حق مطلب را بیان کنیم بگونه ای که برخی از این وجوه و احتمالات نفی نشوند، می توانیم بگوییم صبر در اینجا به همان معنای متفاهم عرفی خودش استعمال شده. یعنی یک فضیلت اخلاقی که به سبب آن انسان امور ناخوشایند را تحمل می کند. این ناخوشایندی گاهی به خاطر سختی اطاعت است، گاهی به خاطر مشقت ترک معصیت است و گاهی هم به خاطر دشواری مصیبت هایی است که برای انسان پیش می آید.

به هر حال انواع سختی ها و مشقت ها و دشواری ها برای انسان وجود دارد. مخصوصا اینکه توضیح دادیم انسان هم در مرحله مقتضی و هم در مرحله مانع با این دشواری ها و کمبود ها مواجه است. لذا خداوند متعال دستور به صبر و تحمل می دهد که هم سختی ترک بعضی از معاصی که آن ها به آن مبتلا بودند را تحمل کنند، هم مشقت اتیان به تکالیف و انجام دستوراتی که خداوند داده و قبلا عمل نمی کردند و هم برای دشواری هایی که در این راه برای آن ها پیش می آید خداوند میفرماید به صبر پناه ببرید. یعنی به قدرت تحمل در برابر اموری که چندان برای شما خوشایند نیست توجه کنید و از آن استعانت بجوئید. پس معنایی که می توانیم در اینجا برای صبر در این فقره از آیه بپذیریم این معنا است. لکن این معنا در چند معنا از معانی که گفته شد قابل تطبیق است. مثلا برای برخی از روایات در وجه سوم گفتیم که مراد از صبر، صوم است. این قطعا از باب تطبیق است نه تفسیر. یعنی نمی خواهند صبر را تفسیر به صوم کنند، بلکه تطبیق کرده اند این را بر یکی از مصادیق بارز آن، یا یکی از جلوه های عالی صبر. بالاخره کسی که روزه می گیرد، در مورد بسیاری از امور باید صبر کند. اجتناب کردن از بسیاری از امور خودش صبر خاصی را می طلبد.

یا مثلا در مورد معنایی که صاحب جوامع الجامع فرموده که منظور از صبر در اینجا همان صبر در نماز حقیقی است. یعنی کأن خداوند تبارک و تعالی فرموده: استعینوا بالصلاة و الصبر فی الصلاة الحقیقیة. این هم باز مصادقی از مصادیق صبر است لذا این هم از باب تطبیق است، یعنی منافات ندارد که بگوییم صبر در این آیه به این معنا است، اما یک مصادقش صوم است، مصادق دیگر آن صبر در صلاة است که بتواند یک نماز حقیقی بخواند.

یا مثلا اگر برخی احتمال دادند این صبر نسبت به ترک ما تحبّونَ مِنَ الدّٰتِیَا و دخول در چیزهایی که بر شما سنگین است به عنوان پذیرش دین جدید، صبر به معنایی که گفتیم این را هم در بر می‌گیرد. بالاخره انسان در برابر برخی از چیزهایی که در دنیا دوست دارد باید خود را حفظ کند. اگر حرام است باید حفظ کند و نباید به بعضی از امور روی بیاورد. این سخت است که خودش را حفظ کند.

یا اگر قرار است کارهایی را انجام دهد هم سخت است. بالاخره صبر به معنای عامش این را هم در بر می‌گیرد. معنای دوم هم همینطور؛ صبر در تکالیف بیان شده در آیات قبل و نیز معنایی که منطبق شده بر رسول گرامی اسلام و وجود مقدس امیرالمؤمنین که این هم تطبیق است.

پس اینکه شش وجه بیان شده یا به استناد روایاتی که منطبق کرده صبر را بر برخی افعال یا اشخاص یا به استناد قرائنی که در خود آیه وجود داشته، این‌ها چه بسا منافاتی با هم ندارند و آن معنایی که بتواند جامع همه این وجوه و در بر گیرنده همه این‌ها باشد و به معنای حقیقی کلمه به انسان کمک کند برای ایستادگی و استقامت در مسیر حق تعالی، همین صبر به عنوان یک فضیلت اخلاقی است که اشاره کردیم. یعنی انسان از نظر درونی قدرت تحمل امور ناخوشایند را داشته باشد. لذا ما فکر می‌کنیم شاید این معنا انطباق از بسیار معانی و وجوه باشد.

### **مطلب هفتم: وجه ذکر صبر از میان فضایل اخلاقی**

آنگاه یک سوال پیش می‌آید. این سوال در واقع مطلب هفتم است که اگر صبر به عنوان یک فضیلت اخلاقی در اینجا مقصود است، چرا در بین این همه فضیلت‌های اخلاقی خداوند تبارک و تعالی صبر را ذکر کرده و دستور به استعانت به صبر داده؟ چرا برخی از خصوصیات دیگر لازم در این مسیر را مطالبه نکرده؟ مثلا تسلیم بودن در برابر حق تعالی، رضایت بما فَعَلَهُ اللهُ یا رضایت نسبت به آنچه که برای او پیش می‌آید یا توکل به خداوند تبارک و تعالی همگی اوصافی هستند که به کار شخص می‌آیند.

به نظر می‌رسد که صبر همانطور که در برخی از روایات هم ذکر شده و به عنوان رأس الایمان معرفی شده، در بین بسیاری از این فضایل و اوصاف یک جایگاه خاص و ویژه ای دارد. بالاخره اگر قرار است که بعضی از کارها را کنار بگذارند و به بعضی از کارها روی بیاورند، قطعا دشوار و سخت است و هیچ صفت و فضیلتی مانند صبر نمی‌تواند به انسان کمک کند برای اینکه بتواند از این مشکلات عبور کند.

نکته مهم دیگر، فراگیر بودن این ویژگی و فضیلت اخلاقی است. توکل و تسلیم، همگی از فضیلت‌های مهم انسانی هستند که اگر کسی از آن‌ها برخوردار باشد، قهرا هم در دنیا و هم در آخرت زندگی سعادت‌مندانه ای خواهد داشت. اما هیچکدام از این‌ها مانند صبر در همه عرصه‌ها و ساحت‌ها کارایی ندارد. آن مقدار که صبر در این دنیا به کار انسان می‌آید، هیچکدام شاید اینچنین نباشند. در امور فردی و اجتماعی، در زندگی شخصی، خانوادگی و دیگران، برای انجام تکالیف و اجتناب از محرّمات، واقعا نمی‌توانیم صفتی را حتی نزدیک به صبر از حیث معنا و مفهوم پیدا کنیم.

بعلاوه شاید این فضیلت قابل فهم ترین فضیلت اخلاقی برای مردم از هر قشر و مذهبی باشد. تسلیم، رضا و توکل، چه بسا به اندازه ای که صبر برای مردم قابل لمس و فهم است آن‌ها اینچنین نیستند. این یکی از فراگیر ترین ویژگی های اخلاقی است که همه یک درکی نسبت به آن دارند. لذا این هم یک وجه مهمی است که چه بسا موجب تقدم این فضیلت بر سایر فضایل شده، یعنی این فضیلت را آورده اند و فضیلت های دیگر را نیاورده اند.

### **مطلب هشتم: وجه تقدم صبر بر نماز**

مطلب آخر که مربوط به بخش اول است، این است که چرا صبر بر نماز مقدم شد؟ چرا نفرمود: استعینوا بالصلاة و الصبر؟

این از برخی از آیات قابل استفاده است، یعنی خود آیات قرآنی به نوعی به وجه تقدم اشاره کرده اند. مثلا در آیه: «یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر و الصلاة إن الله مع الصابرين» تعبیر إن الله مع المصلین نداریم، اما تعبیر إن الله مع الصابرين در تعبیر قرآنی و روایی ما زیاد آمده است. این‌ها همگی به خاطر این است که صبر چه بسا بیش از نماز به انسان قدرت و توانایی حرکت میدهد، یعنی آن عونی که صبر به انسان عطا می‌کند (البته به مدد خداوند و لطف الهی)، شاید نماز آن مقدار تاثیر را نداشته باشد.

به هر حال تقدم صبر بر صلاة به قرینه برخی آیات و روایات بوده و حاکی از اهمیت و ویژگی خاصی است که صبر دارد و نقشی که می‌تواند در اعانه به انسان ایفا کند.

گفتیم آیه ۴۵ دو بخش دارد، تا اینجا این مطالب هفتگانه درباره بخش اول بود. بخش دوم «وَأَنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» است؛ در اینجا بحث هایی وجود دارد مانند اینکه ضمیر «أَنَّهَا» به کجا بر می‌گردد، موضوع «لَكَبِيرَةٌ» چیست، چرا «خاشعین» استتفا شده اند و اینکه مجموعا منظور از این آیه چیست را انشاءالله در جلسه آینده دنبال خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمين»